

ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

براساس گفتمان انقلاب اسلامی

بهزاد قاسمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

فصلنامه آفاق امنیت / سال یازدهم / شماره سی و هشتم - بهار ۱۳۹۷

چکیده

تحلیل و بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر محور مقاومت و پیامدهای آن به‌ویژه در حوزه امنیت پایدار، از موضوعات مهم و نیازمند پژوهش است. یکی از موضوعاتی که در مطالعه نقش و تأثیر انقلاب ایران بر محور مقاومت ضرورت توجه دارد، آرمان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، صدور انقلاب و گفتمان آن در خصوص مقاومت در جهان اسلام است. تحلیل گفتمان انقلاب، به‌عنوان یکی از روش‌ها و نظریه‌های تبیین‌کننده محور مقاومت، اتخاذ شده است. گفتمان انقلاب اسلامی ایران، اثری انکارناپذیر بر دیگر مناطق دنیا و نیز جنبش‌های اسلامی داشته است. مصادیقی چون: «اسلام‌خواهی»، «استکبارستیزی»، «مردم‌سالاری»، «بیداری اسلامی» و «تداوم اندیشه و عمل مقاومت در نهضت‌ها» نمونه‌هایی از توسعه انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌روند. مقاله حاضر در تلاش است با مطالعه تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر محور مقاومت در عرصه نظر و عمل، به میزان موفقیت گفتمان انقلاب اسلامی و توسعه و تعمیق آن در جهان اسلام بپردازد. باین‌وصف، مقاله در پی پاسخ‌دادن به این پرسش اساسی است که چرا انقلاب اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی(ره) در جهان اسلام، تأثیرات عمیقی بر محور مقاومت داشته و چگونه سبب‌ساز امنیت پایدار انقلاب اسلامی شده است؟ به‌نظر می‌رسد، ژئوپلیتیک محور مقاومت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تعریف گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، امریکا و استکبار جهانی با نقش محوری و رهبری ایران تعریف شد. ماهیت گفتمانی انقلاب اسلامی تأثیرات بنیادی و عینی بر محور مقاومت در مقابل استکبار و رژیم صهیونیستی داشته است. اثبات این فرضیه از طریق تحلیل گفتمان به‌مثابه روش و تحلیل نظری، تحلیل شده است. مقاله حاضر، در پی نشان‌دادن تأثیر انقلاب اسلامی بر قوت و گسترش محور مقاومت در منطقه است. کامیابی مقاومت در ترسیم آینده غرب آسیا و ایجاد امنیت در منطقه و دوام امنیت پایدار انقلاب اسلامی از نتایجی است که این مقاله بدانها دست یافته است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، مقاومت، امنیت پایدار، گفتمان اسلام انقلابی، ژئوپلیتیک محور مقاومت

۱. استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب تحول در منطقه غرب آسیا شد و معادلات نظام بین‌الملل را از هم گسست. از مهم‌ترین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مقابله با ترتیبات سیاسی امریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی بود. شکل‌گیری اسلام سیاسی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی محور مقاومت با رهبری و نقش محوری ایران شکل گرفت. مبتنی بر اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ایران، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و عمق‌بخشی و توسعه گفتمان و آرمان انقلاب از مبانی اصلی تأمین امنیت به‌شمار می‌روند که میان امنیت ملت‌های مسلمان و امنیت ملی، پیوند برقرار کرده است. باین‌وصف، تقویت و توسعه محور مقاومت، موجب امنیت جمهوری اسلامی خواهد شد.

غرب آسیا در دوران پیش از تحولات بیداری اسلامی، به دو محور سازش و مقاومت نه‌تنها در موضوع مناقشه رژیم صهیونیستی (اشغال‌گر قدس) و فلسطین، بلکه در تمامی مسائل، تقسیم شده بود. ایران به عنوان کشوری کانونی در اتحاد با سوریه، حزب‌الله، حماس و در پاره‌ای موارد عراق، محور مقاومت را تشکیل می‌داد. در محور سازش نیز، کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، اردن و مصر در اتحاد با امریکا قرار داشتند. بی‌تفاوتی نسبت به ساختارهای اقتدارگرای عرب در منطقه از جمله عربستان سعودی، مصر، یمن و غیره، چشم‌پوشی از نقض حقوق بشر در این کشورها، تلاش برای دامن‌زدن به اختلافات میان موافقان و مخالفان امریکا و ایجاد بلوکی برای مقابله با کشورهای مخالف امریکا از مهم‌ترین سیاست‌های امریکا در سال‌های اخیر بوده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، مردم‌سالاری در رویکرد انقلابی جمهوری اسلامی به‌معنای حق تعیین سرنوشت سیاسی مردم غرب آسیا و نیز طرح خاورمیانه اسلامی مدنظر نظام جمهوری اسلامی ایران همواره مورد تأکید و تصریح بوده است و این قضیه خود را در قالب حمایت از جنبش‌ها و حرکت‌های ضداستبدادی و ضددیکتاتوری در خاورمیانه در سال‌های بعد از انقلاب و به‌ویژه در حمایت از مسئله بیداری اسلامی یا قیام‌های مردمی اخیر از ۲۰۱۱ به بعد نشان داده است. این موضوع نه تنها سبب توسعه گفتمان و ارزش‌های انقلاب اسلامی در فراتر از مرزهای ایران شده، بلکه نتایج امنیتی برای انقلاب اسلامی و محور مقاومت و اسلام به‌همراه داشته و جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه محور مقاومت و ایجاد امنیت در منطقه براساس گفتمان انقلابی خود این موازنه بین‌المللی را برهم زده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران - نماینده گفتمان اسلام انقلابی - سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولاتی اساسی رخ دهد. در ساختار نظام



بین‌الملل، باتوجه به حاکم‌بودن نظام دوقطبی، ایجاد جبهه‌ای جدید بدون اتکا به غرب و شرق، سبب فعال‌تر شدن جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل شد تا جایی که توانستند در عرصه روابط بین‌الملل نقش‌آفرین شوند. از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی، شکل‌گیری و تقویت محور مقاومت بود. از سال ۲۰۱۱ نیز با خیزش‌های مردمی و اسلامی در کشورهای منطقه و شمال آفریقا، علیه حاکمان مرتجع و استکبار قیام شد. خیزش‌های مردمی غرب آسیا که با سه مؤلفه اسلامیت، مردمی و ضداستعماری بودن تحلیل می‌شوند، در واقع، گویای گفتمان اسلام انقلابی هستند. به‌طور کلی، برخی تأثیرات کلان انقلاب اسلامی ایران در سایر کشورهای اسلامی را چنین می‌توان برشمرد: اول، احیا و اعتبار مجدد اسلام به‌منابه مکتبی اجتماعی و سیاسی؛ دوم، الگوشدن اسلام سیاسی و تشیع به‌عنوان ارائه‌دهنده نظام حکومتی و مطرح‌شدن آن در سطح بین‌المللی؛ سوم، احیا و ظهور مجدد نهضت‌های اسلامی و انقلابی؛ چهارم، طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام (امت‌گرایی) که نوعی بازبینی در رابطه جهان اسلام و غرب است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۷). علاوه بر گسترش قلمرو مقاومت با حق تعیین سرنوشت خود و کشورشان بدون هیچ مداخله قوت محور مقاومت در پرتو گفتمان انقلاب اسلامی است که از این طریق نظام جدیدی ایجاد کنند.

سؤال مقاله حاضر این است که چرا انقلاب اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره) در جهان اسلام، تأثیرات عمیقی بر محور مقاومت داشته و چگونه سبب‌ساز امنیت پایدار انقلاب اسلامی شده است؟ به‌نظر می‌رسد، ژئوپلیتیک محور مقاومت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تعریف گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، امریکا و استکبار جهانی با نقش محوری و رهبری ایران، تعریف شده است.

روش تحقیق

مقاله حاضر از مباحث بنیادی و نظری در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی ایران است که نتایج و پیامدهای عملی و عینی به‌همراه داشته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است. داده‌های مقاله از نوع کتابخانه‌ای بوده و از منابع دست اول در این زمینه فیش‌برداری شده است.

در این نوشتار مقصود از اهداف، نتایج موردنظر از تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در محور مقاومت در قلمرو نظر و عمل است که درنهایت به امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران و امنیت امت اسلامی خواهد انجامید.

پیشینه تحقیق

در حوزه مقاومت و محور مقاومت، تحقیقات، مطالعات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. باتوجه به اهمیت و دامنه پژوهشی، موضوع دارای اهمیت مطالعاتی جدید نیز هست. در ذیل به صورت موجز به چند مقاله علمی - پژوهشی در این حوزه اشاره می‌شود:

- ائتلاف سه گانه ایران، سوریه، حزب الله و تأثیر آن بر منافع امریکا در خاورمیانه، نوشته حبیب‌الله شیرازی و رضا پارسه و چاپ شده در مجله سیاست جهانی. این مقاله با تمرکز بر نقش محوری و رهبری ایران در مقاومت و رویکرد تأثیرگذاری و تقابل با منافع امریکا در خاورمیانه تمرکز داشته و نقش محدود کنندگی رژیم صهیونیستی را بررسی کرده است (شیرازی و پارسه، ۱۳۹۳).

- انقلاب اسلامی ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل، نوشته شهربانو علی‌دادی و چاپ شده در فصلنامه سیاست. این مقاله به رویارویی مقاومت ناشی از هویت با الگوهای مبتنی بر سیاست وضع موجود پرداخته و مبانی و ماهیت آن را تحلیل کرده است (علی‌دادی، ۱۳۹۰).

- انقلاب اسلامی ایران و برسازی هنجار سیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل، نوشته زهره پوستین‌چی و چاپ شده در فصلنامه آفاق امنیت. این مقاله به اثربخشی هنجارهای اسلامی بر روابط بین‌الملل اشاره داشته و نشانه‌های سیاسی و هنجاری انقلاب اسلامی را تحلیل و بررسی کرده است (پوستین‌چی، ۱۳۹۱).

چارچوب نظری تحلیل گفتمان: به مثابه روش و نظریه

باتوجه به اهمیت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و پیوند بین امنیت منطقه به‌ویژه محور مقاومت و گفتمان انقلاب اسلامی با اتخاذ روش تحلیل گفتمان، تأثیر و تأثرات امنیتی آن بحث و بررسی شده است. مطالعات جدید امنیت بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از عوامل و زمینه‌های امنیت ملی در ارزش‌ها و فرهنگ جوامع و ارتباط آن با دولت‌ها و حکومت‌ها ریشه دارد (لکزایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۵). در واقع امنیت ملی جمهوری اسلامی بر پایه امنیت هستی‌شناختی انقلاب است. بر این اساس، مسئله امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی و امنیت فیزیکی که در دل گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارند، از الزامات گفتمانی انقلاب بوده است. ژئوپلیتیک محور مقاومت بر ساحت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیم دارد. مسأله اصلی در این پژوهش آن است که آیا مقاومت که حامل ارزش‌ها و احکام اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی است، نقشی در تبیین، تولید و حفظ امنیت ملی می‌تواند داشته باشد؟



مفهوم امنیت علاوه بر آنکه واقعیتی بیرونی است، دارای ماهیت ذهنی و گفتمانی نیز هست. مفهوم امنیت در رابطه همنشینی با مفاهیمی همچون؛ قدرت، اهداف، مصالح، ارزش‌ها و جایابی با مصادیق و مصداق خود ماهیت اصلی خود را آشکار می‌کند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۲). براین اساس، امنیت ملی از وضعیتی که نظام قادر باشد اقتدار خود را به‌منظور استمرار ثبات نظام و پاسداری از ارزش‌های بنیادین و منافع ملی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی براساس درک واضح از توانایی با امکانات و همکاری‌های مشترک با «محور مقاومت» در جهت رشد و اعتلای کشور و ارزش‌های آن به‌کار بگیرد، در جهت امنیت ملی بوده است. این موضوع در سایه گفتمان انقلاب اسلامی و با روش تحلیل گفتمان قابل تبیین و کاربست است.

در این پژوهش پیرامون پاسخ به سؤال از تحلیل گفتمانی به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق در علوم انسانی و سیاسی استفاده شده است. تحلیل گفتمان^۱ که در زبان فارسی «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» ترجمه شده است، در سال ۱۹۵۲ زلیگ هریس، آن را کانون توجه قرار داد. سوسور زبان‌شناس سوئیسی با طرح ساختارهای زبانی و نقد روابط دال و مدلول، تحول بزرگی در زبان‌شناسی پدید آورد و از این حیث بنیان‌گذار نشانه‌شناسی نام گرفت (لاکلاو و موفه^۲، ۱۹۸۱: ۱۷۶). گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر دال مرکزی اسلام اصیل محمدی که در اندیشه امام خمینی (ره) تجلی کرده بود، براساس تحلیل گفتمان، تبیین شده است. این مدل در سراسر پژوهش به‌مثابه روش و چارچوب نظری به‌کار گرفته شده است. برای فهم و کاربست صحیح این مدل ناگزیر به معرفی اجمالی تحلیل گفتمان خواهیم بود.

در تعریف و معنای گفتمان، دو مفهوم مهم و اساسی وجود دارد: مفهوم طرد^۳ و مفهوم حکم^۴. گفتمان را صرفاً نباید مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم تلقی کرد، بلکه باید وجود آن را وابسته به مجموعه‌ای از دو نوع روال دانست؛ یکی روال‌هایی که می‌کوشند آن گزاره‌ها را رواج دهند، و دیگر روال‌هایی که می‌کوشند تا میان آن گزاره‌ها و گزاره‌های دیگر مرزی بنا کنند و از رواج یافتن گزاره‌های دیگر ممانعت به‌عمل آورند (میلز، ۱۳۸۹: ۹۲).

نخستین گام‌ها در ایجاد نظریه گفتمان را «مونژن فردینان دو سوسور» (۱۹۱۳ - ۱۸۵۷) برداشت. وی با ساختن اصطلاح «نشانه‌شناسی»^۵ که از نظر او، علم پژوهش

1. Discourse analysis
2. Laclau and mouffe
3. Exclusion
4. Statement
5. Semiology

نظام‌های دلالت معنایی است؛ زبان را که یکی از مهم‌ترین این نظام‌هاست، در مرکز توجه خویش قرار داد. عنصر اصلی زبان در نظریه سوسور، نشانه‌هاست. رابطه‌ای ذاتی میان نشانه و مصداق یا جهان خارج وجود ندارد. به این ترتیب، معنای نشانه‌ها نه با ارجاع به جهان مصداق‌ها، بلکه به واسطه رابطه‌ای که میان خود نشانه‌ها در درون نظام نشانه‌شناختی زبان برقرار می‌شود، به دست می‌آید. برای نمونه مفهوم پدر در تمایز با مادر، برادر، خواهر و مانند آن درک می‌شود. تشکیل معنا بر اساس نظام تفاوت‌ها در درون نظام نشانه‌شناختی زبان و بدون ارجاع به جهان خارج، گام بسیار مهمی بود که سوسور برداشت. نشانه‌ها، دال و مدلول را به هم مرتبط می‌کنند، ولی هیچ ارتباط ضروری و طبیعی حتی وضعی نیز میان دال و مدلول وجود ندارد. رابطه دال و مدلول اختیاری و اتفاقی است. سوسور زبان را به بازی شطرنج تشبیه می‌کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد به دست می‌آورد (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۶). امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل درک و فهمند و هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۴). در واقع در تحلیل گفتمان «مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمان مشترکی باشد، گفتمان می‌نامند» (فوکو^۱، ۱۹۶۲: ۱۱۷).

مفهوم «گفتمان» نظریه توسعه یافته است که توسط ارنستو لاکلاو و نیز شنتال موفه طراحی شد. نظریه گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی سروکار دارد. این نظریه به تحلیل شیوه‌ای می‌پردازد که طی آن سیستم‌های معانی یا گفتمان‌ها، فهم مردم از نقش خود در جامعه را شکل می‌دهند (دین پرست، ۱۳۸۹: ۳۲). از این دیدگاه قابلیت تبیین ساختار درونی یک اندیشه، توضیح چگونگی جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان و تغییر و تطبیق آنها در مفصل‌بندی جدید، توضیح رقابت و غیریت‌سازی بین گفتمان‌ها در شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه، تبیین نقش رهبران در تحقق و شکل‌گیری گفتمان‌ها و سرانجام توضیح تحول و فرایند افول گفتمان‌های مسلط و غلبه گفتمان‌های جدید از مزایای الگوی تحلیلی لاکلاو و موفه است (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۵۵۵). بر این اساس، نظریه گفتمان به عنوان روشی برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی، امری بدیع محسوب می‌شود و به چارچوب نظری یک تحقیق برای رسیدن به هدف پژوهش کمک می‌کند. در نوشتار حاضر تحلیل گفتمان کمک و نقش دوسویه روشی و تحلیلی را ایفا کرده است. تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه، با مجموعه گسترده‌ای از داده‌های زبانی و غیرزبانی «گفتارها، گزارش‌ها، حوادث تاریخی، مصاحبه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها،



اعلامیه‌ها، اندیشه‌ها، سازمان‌ها و نهادها» به‌مثابه متن برخورد می‌کند.

گفتمان اسلام انقلابی به‌عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی ایران است، زیرا دارای دال‌ها و نشانه‌ها و درحقیقت منظومه معنایی است که هر کدام دنبال جذب دال‌های شناور از جمله نهضت، بیداری اسلامی، برابری و عدالت هستند که براساس گفتمان کلان استقلال، آزادی و مردم‌سالاری دینی، معنا و هویت پیدا می‌کند که همه این دال‌های گفتمانی در مقابل غیر/ دگر تعریف شده و هویت معنایی و گفتمانی پیدا می‌کنند. برای نمونه در مقابل گفتمان استکبار و خرده‌گفتمان‌های آن از جمله دموکراسی غربی، نظام سلطه و سکولار هستند. تحلیل گفتمان، تبیین‌کننده چگونگی الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در خیزش‌های مردمی و با بهره‌گیری از منظومه معنایی و هویت انقلاب اسلامی ایران، به تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت انجامیده و سبب امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

مفهوم مقاومت و امنیت

مقاومت اسلامی در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین‌ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آنها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارائی‌ها مطابق آموزه‌ها و احکام دین می‌باشد. عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم و نفی سلطه کفار، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است. مقاومت درونی مبارزه با امیال نفسانی و مقاومت بیرونی مبارزه با تجاوز، تهاجم و اشغالگری است (میرقادری، کیانی، ۱۳۹۱: ۷۰). حفظ دین، حفظ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در فلسطین، دفاع از تمامیت ارضی، حفظ استقلال و حق تعیین سرنوشت نیز جلوگیری از غارت منابع و ثروت در عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین، از جمله اهداف مشخص و عینی محور مقاومت هستند.

ویژگی امنیت پایدار یعنی شامل شدن همه عرصه‌هایی که در مقاومت نیز وجود دارد. قدرت‌یابی محور مقاومت اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی و نظامی، علمی و فنی، اقتصادی و نیز هم‌افزایی قدرت در آنها از طریق فعالیت‌های شبکه‌ای است. همین‌که نظام سلطه و متحدانش با تمام توانمندی‌های وسیع سیاسی، رسانه‌ای، مالی، اطلاعاتی و امنیتی و نیز نظامی خود در برابر محور مقاومت قرار گرفته و از شکست دادن آن عاجز شده‌اند، خود گویای میزان قدرت مقاومت است.

امنیت: قرآن کریم «امنیت» را در زمره امدادهای الهی می‌شمارد و می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نُنَاسًا؛ سپس خداوند بعد از آن اندوه آرامشی به‌صورت خواب سبکی بر شما فرو فرستاد» (آل عمران، آیه ۱۵۴). قرآن همچنین، امنیت را یکی از اهداف

استقرار حاکمیت خداوند و حکومت صالحان و طرح امامت می‌داند (نور، آیه ۵۵). امنیت یک مفهوم وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود که با اقتدار، انسجام، وحدت، ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می‌داند و هرگونه دغدغه، نگرانی و ناامنی در یک بعد را مؤثر در ابعاد دیگر می‌شمارد و هرگونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند (دری نجف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۳). در واقع توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا ملی، تأمین امنیت ملی به‌شمار می‌رود (برژینسکی، ۱۳۶۹: ۱۲). برای رسیدن به امنیت پایدار، همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، نظامی و سایبری به‌کار گرفته می‌شود تا ارزش‌های اساسی مورد هجوم قرار نگیرد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، باین‌وصف، آنچه در گفتمان و آرمان انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در سطوح وطنی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، حفظ و تعمیق ارزش‌های اساسی است و براین‌مبنا، تلاش می‌کند، سبب گسترش و توسعه امنیت خواهد شد.

گفتمان اسلام انقلابی در انقلاب اسلامی ایران

گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) برگرفته از آموزه‌های اسلام اصیل است. ایشان معتقد بودند همان‌طور که پیامبر (ص) برای اجرای احکام دین، حکومت تشکیل دادند، پس از ایشان نیز از آنجاکه احکام و حدود و قوانین جزایی اسلام و جهاد باید اجرا شوند و تعطیل‌بردار نیست، تشکیل حکومت ضرورت دارد. چنانکه بعد از رحلت پیامبر (ص) کسی درباره لزوم حکومت شکی نداشت و همه مسلمین در اینکه باید حکومت باشد، اتفاق داشتند و فقط در شخص موردنظر اختلاف بود (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۲۸).

۱. دال مرکزی در گفتمان اسلام انقلابی: به‌طور کلی، دال مرکزی در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) اسلام است، البته با صبغه شیعی و در مفصل‌بندی گفتمان ایشان که دیگر عناصر را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد؛ اما ویژگی‌های اسلام به‌عنوان دال مرکزی عبارت است از:

- اسلام سیاسی: یکی از مشخصه‌های اصلی قرائت امام خمینی (ره) از اسلام، سیاسی‌بودن آن است. در کلام امام، «اسلام تماش سیاست است و سیاست مدن از اسلام سرچشمه می‌گیرد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۹: ۶۵). امام خمینی (ره)، تفسیری از اسلام ارائه می‌دهد که در آن اسلام «برخلاف مکاتب غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت دارد» (امام خمینی،



۱۳۷۰، ج ۲۱: ۱۶۵). در نتیجه، جدایی دین از سیاست، موضوعیت ندارد؛ زیرا جدایی دین از سیاست نوعی بدعت است و برآمده از آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر و ائمه نیست (فوزی، ۱۳۸۸: ۱۰۶ - ۹۸).

- جامعیت: اسلام در قرائت امام(ره)، جامعیت آن است. چنانچه ایشان در این ارتباط بیان می‌دارند «اسلام نه دعوتش به‌ویژه معنویات است و نه دعوتش به‌ویژه مادیات است، هردو را دارد (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۲۲۵).

- جهان‌شمولی: در نگاه امام(ره) اسلام دینی جهان‌شمول است که هیچ‌یک از تقلیل‌های قومی، زبانی و نژادی در آن راه ندارد. «اسلام برای طایفه خاصی نیست، اسلام برای بشر آمده است نه برای مسلمانان و نه برای ایران. انبیا مبعوث بر انسان‌ها هستند و پیامبر اکرم(ص) مبعوث بر انسان‌ها بود. خطاب به ناس می‌باشد؛ یا «ایهاالناس» و ما نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۰: ۱۱۵).

- مشروعیت و قدرت: امام در سیره نظری و عملی خود نظریه مشروعیت الهی - مردمی را پذیرفته‌اند؛ به‌طوری‌که همواره در کنار مشروعیت الهی از اعتماد اکثریت مردم یا آرای اکثریت قاطع ملت نام برده‌اند. مشروعیت مردمی حکومت در کنار مشروعیت الهی، تفسیری است که امام خود درباره حکومت ایران ابراز کرده‌اند. ایشان در پاسخ خبرنگار فرانسوی چنین اظهار می‌کنند: «اما جمهوری به همان معنایی که همه‌جا جمهوری است، لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام می‌باشد. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود، اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که در همه جا هست» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۱: ۱۴۵).

- جمهوری اسلامی: جمهوریت، گفتمانی است که در نهایت معطوف به نفی سلطه است؛ به‌همین دلیل، تأکید بر آزادی مدنی، هم نافی آزادی لیبرالی و هم ضد جباریت فردی و ساختار تمامیت‌خواه است. در گفتمان جمهوریت، حاکمیت سیاسی از یک‌سو با قیدزدن به قدرت نقش ساماندهی سیاسی پیدا می‌کند و از سوی دیگر به تحقق اداره اخلاقی - انسانی شهروند می‌انجامد (منوچهری، ۱۳۷۷: ۳۱). جمهوری، بهترین صورت حکومت دموکراسی و بیان‌کننده صورت و قالب حکومت است، درحالی‌که اسلام، بیان‌کننده محتوای آن است. در گفتمان امام خمینی(ره)، اسلام شیعی، با چنین مشخصه‌هایی به‌عنوان دال برتر و واژه نهایی معرفی می‌گردد؛ دال برتری که مسلمانان در تبیین و تفسیر تمامی رفتارها، ایده‌ها و آرمان‌های خود از آن استفاده می‌کنند. اسلام شیعی در مرکز عمل قرار می‌گیرد و از آن به‌عنوان واژه نهایی استفاده می‌شود و برای خود از آن استمداد می‌جویند. در گفتمان

امام(ره) اسلام، هسته مرکزی را تشکیل می‌دهد و جاذبه‌های همین هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند.

- نفی سلطه: «ما منطقمان، منطق اسلام است، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما می‌خواهیم نرویم زیر سلطه» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۳۹). امام با استناد به سیره انبیا، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌داند که برنامه آن در دو جمله «نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید» خلاصه می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۴: ۶۸).

۲. دال‌های شناور گفتمان اسلام انقلابی: دال‌های شناور گفتمان اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی ایران که در محور مقاومت نقش دارد، در لایه بعدی هسته مرکزی گفتمان قرار دارد. دال‌های شناور گفتمان انقلاب اسلامی به مبانی امنیتی محور مقاومت کمک خواهد کرد.

- استقلال؛ استقلال در تمام زمینه‌ها، عدم وابستگی، نفی دخالت اجانب، قطع نفوذ بیگانگان، تحت‌نظر دیگران نبودن و اداره مستقل مملکت، تعاریفی است که امام از استقلال ارائه می‌دهند.

- حمایت از مظلومین و محرومین: «هان ای مظلومان، از هر قشر و از هر کشوری که هستید! به خود آید و از هیاهو و عریبه آمریکا و سایر زورمندان تهی نهراسید و جهان را برای آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گره کرده از آنان بگیرید.» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۶۲)

- وحدت امت اسلامی: امام(ره) می‌خواست با وحدت و انسجام ملی و اسلامی و ایجاد همبستگی اسلامی بین مسلمانان، همه ملل اسلامی به استقلال و آزادی دست یابند، زیرا مسلمین باید برای به‌دست آوردن استقلال و آزادی، این کلید پیروزی را به‌دست آورند و برای وحدت کلمه کوشش کنند (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۶، ۱۲۳ - ۱۲۲). در واقع براساس غنای مفهومی این دال است که امام خمینی(ره) «باتوجه به مشترکات بسیار میان شیعیان و اهل تسنن در اصول و فروعات کلیدی و مهم دین و اختلافات در برخی از فروعات دینی، جهان اسلام را به‌مثابه یک نظام واحد، یکپارچه و منسجم تلقی می‌کند که دارای خدای مشترک و واحد، پیامبری مشترک، اعتقاد به معاد و روز جزا، قبله واحد و... می‌باشند. برخی از اختلافات فکری و اعتقادی نمی‌تواند آنان را از رسیدن به وحدت راهبردی سیاسی منع نماید (فولادی، ۱۳۸۷: ۸۲).

- عدالت: ائمه و فقهای عادل موظفند از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۶).



انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک محور مقاومت

مقاومت ژئوپلیتیک اسلام از اواخر قرن بیستم به بعد مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. توضیح اینکه در دوران حکومت پهلوی، استعمارگران با اقدامات مختلفی درصدد اضمحلال و تخریب پایه‌های فرهنگ اسلامی ایرانیان برآمدند و شوک و ضربه شدیدی بر هویت اسلامی ایرانیان وارد نمودند که در واکنش به این وضعیت، انقلاب اسلامی رخ داد. با پیروزی انقلاب ایران، در سراسر جهان اسلام، از یوگسلاوی و مراکش در غرب گرفته تا اندونزی و فیلیپین در شرق، یک جنبش مردمی نضج گرفت. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های مختلف در حرکت‌های مردمی در عراق، تسخیر مسجدالحرام در مکه در سال ۵۸، جهاد مسلمانان در افغانستان اشغال‌شده توسط شوروی، ترور انورسادات در مصر و مقاومت شدید در لبنان، بروز ناآرامی در کویت، بحرین، قیام مردم در الجزایر، مصر، تونس، مراکش و قیام اسلامی فلسطین تجلی یافت. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یک افسون و جذبۀ اسلامی را در مردم ایجاد کرد. از آن پس، مردمی که از عظمت قدرت خود بی‌اطلاع بودند، با برداشتی نوین از اسلام به حرکت درآمدند. این حرکت، نه فقط شیعیان، بلکه طرفداران اهل سنت را نیز دربر می‌گرفت؛ چراکه پیام امام، پیام وحدت مسلمانان و یک پیام فراگیر و جهانی بود. هدف اهتزاز «پرچم لا اله الا الله» در سراسر جهان، نفی تمامی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردم بود (کدیور، ۱۳۷۴: ۹۹ - ۹۸). بنابراین، پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها به احیای عظمت و قدرت ژئوپلیتیک شیعه انجامید، بلکه کل ژئوپلیتیک اسلام را دچار تحول و بیداری نمود. در واقع، اسلامی بودن انقلاب ایران، این ویژگی و امتیاز خاص را به آن داد که دارای جنبۀ جهان‌شمولی باشد و تمام جهانیان را مورد خطاب پیغام خود قرار دهد (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۰۱). انقلاب اسلامی ایران در بعد جهان‌شمولی‌اش مانند انقلاب صدر اسلام از یک‌سو تمام جهانیان را در تمام زمان‌ها و دوره‌ها مخاطب قرار داده و از سوی دیگر بر فطرت الهی انسان‌ها تأکید نموده است (صفاتاج، ۱۳۸۷: ۳۶).

مقاومت ژئوپلیتیک جهان اسلام مربوط به جنبش‌های کنونی است که از سال ۲۰۱۰ میلادی در محدوده‌ای از خلیج فارس تا شمال آفریقا در کشورهایی همچون تونس، مصر، لیبی، یمن و... رخ داده است. عوامل مختلفی در وقوع مقاومت در این دوره دخیل است که با تأکید بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌طور مختصر در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

اول، وجود حکومت‌های وابسته به غرب و امریکا: یکی از مسائلی که باعث ناراضی مردم از حکومت‌های موجود در سرزمین‌های عربی شده و هویت و عزت اسلامی آنها را



خداشده‌دار نموده است، وابستگی حکومت‌های آنها به غرب و خصوصاً ایالات متحده می‌باشد؛ رابطه‌ای که همراه با در نظر گرفتن منافع رژیم صهیونیستی بوده است.

دوم، بی‌توجهی به مسئله فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی: فلسطین، بخش مهمی از عزت و هویت مسلمین را تشکیل می‌دهد، لذا بی‌توجهی به این مسئله از سوی رهبران عربی نیز یکی دیگر از عوامل اصلی وقوع نارضایتی و نهایتاً قیام علیه حکومت‌های این مناطق بوده است.

سوم، وجود حکومت‌های سکولار: یکی دیگر از دلایل قیام‌های اخیر، وجود حکومت‌های سکولار در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است. لذا در پاسخ به سیاست‌های دین‌ستیزانه حکومت‌های عربی، اقشار و گروه‌های مسلمان مبادرت به قیام علیه این حکومت‌ها نمودند. مؤید این امر، استفاده از شعارهای اسلامی در جریان قیام‌ها، تأکید بر اصول و ارزش‌های اسلامی مانند حجاب پس از سقوط حکومت‌های سکولار و استقبال مردم از احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا می‌باشد. در واقع، پیام اصلی این قیام‌ها همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، چیزی جز «برافراشتن پرچم اسلام که عقیده عمیق و دلبستگی دیرین مردم است» نبوده است (مسعودنیا و خانی، ۱۳۹۱: ۲۹ - ۲۱).

بنابراین، با وقوع قیام‌های سال ۲۰۱۱، در ژئوپلیتیک اسلام، شاهد حرکت به سمت عظمت و شکوه دوباره این منطقه هستیم که البته این قیام‌ها و جنبش‌ها در این مسیر با آسیب‌های مختلفی مواجه بوده و هستند که عدم غلبه بر این آسیب‌ها خصوصاً آسیب‌های خارجی مانند روی کار آمدن عناصر متعهد به غرب و امریکا، ارائه بدیل‌های حکومتی انحرافی از سوی کشورهای خارجی، ایجاد ناامنی داخلی، تهاجم تبلیغاتی و رسانه‌ای مانند جلوه دادن انقلاب‌های مردمی به نام انقلاب امریکایی دموکراسی خواه و نادیده گرفتن فریاد اسلامی ملت‌ها (مسعودنیا و خانی، ۱۳۹۱: ۴۳ - ۳۳)، می‌تواند به احیای دوباره عظمت و اقتدار اسلامی در این منطقه خلل وارد نماید.

۱. محور مقاومت از نگاه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری: امام خمینی(ره) از جمله بنیان‌گذاران حرکت مقاومت به شکل جدید در منطقه و جهان و همچنین بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران است. نگاه به همه پدیده‌ها باید از منظر دین باشد و بحث مقاومت را نیز باید از این منظر مورد بررسی قرار داد. با چنین تبیینی از مفهوم مقاومت و با نگاهی اجمالی به سابقه مقاومت، نگاه باید فراتر از موضوعات خاص نظیر مسئله فلسطین و مقاومت در فلسطین باشد و تحولات یمن را نیز باید جزء لاینفک آن به‌شمار آورد.

مقاومت از نظر امام خمینی(ره) و نظام اسلامی که اکنون پرچمدار آن مقام معظم رهبری هستند، دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی است. در واقع رفتن به سمت مقاومت،



امثال امر الهی است. بدین منظور که براساس دستور الهی باید به سمت مقاومت حرکت کرد؛ چراکه همه ادیان آسمانی و تمام پیامبران، یک پیام واحد برای بشر دارند و آن این است که انسان‌ها باید خدا را بندگی کرده و از طاغوت اجتناب کنند. اگر بخواهیم با چنین نگاهی به پیامبران و پیام واحدشان، مسئله مقاومت را درک کنیم، باید به دو واژه قرآنی استکبار و استضعاف توجه کرد. استکبار به جریان و نظامی گفته می‌شود که ضمن «خودبرترپنداری»، تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا دیگران را تحت سلطه خویش قرار دهد. در این زمان، قرآن کریم به مبارزه با استکبار امر می‌کند و اعلام می‌دارد استکبار، همان طاغوت است.

مردمی که با استکبار مواجه می‌شوند به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی، تن به ذلت و سازش می‌دهند و گروهی دیگر، دست به مقاومت می‌زنند. آنان که جلو ستمکاران می‌ایستند، خداوند، آنها را مؤمنین واقعی می‌داند که همچون پیامبر با کفران و مستکبران، شدید هستند اما در جبهه خود از رحمانیت برخوردارند که به این موضوع در آیه ۲۱ سوره فتح اشاره شده است.

در همین زمینه، مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «تکفیر، یک عاملی برای دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی است. نه فقط شیعه، بلکه اهل سنت را هم تکفیر می‌کنند. اهل سنت را هم، مسجدشان را، نمازشان را منفجر می‌کنند به نفع رژیم صهیونیستی، برای اینکه مردم را و مسلمان‌ها را به هم مشغول کنند تا غافل بشوند از مسئله مهم فلسطین و از حضور دشمن در دل دنیای اسلام غفلت کنند؛ هدف، اینهاست. یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی، بعضی هم البته از روی غرض، با آنها همراهی می‌کنند، این را باید متوجه بود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۶/۱۶).

می‌توان گفت مسئله مقاومت در برابر ظالم و مستکبر، حرکتی با منشأ قرآنی است و کسانی که در برابر ظالم مقاومت می‌کنند، امر خداوند را اطاعت می‌کنند. نکته کلیدی مقاومت، نه گفتن به کسی است که قصد اعمال سلطه دارد. مقاومت اگر الهی و تحت عنوان بندگی خدا باشد، نصرت الهی شامل حال آن خواهد شد. مقاومت، کلیدی است برای رساندن انسان به عزت و اگر این مهم نباشد باید تن به خفت داد و در اسلام این مبارزه، «جهاد» نام دارد.

در این راستا، امروز برای حفظ منافع خود و ادامه مسیر براساس باورهای اسلامی، باید از مقاومت پشتیبانی کرده و آن را ادامه دهیم. نگاه ما به قضیه فلسطین باید کلان‌محور و ایدئولوژیک باشد و نباید از این نگاه صرف نظر کرد. سیاست‌گذاری و حمایت از مقاومت در خارج از مرزهای سرزمینی و کنار مرزهای رژیم صهیونیستی، همواره باید در دستور کار

دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی ایران برای بالابردن امنیت ملی قرار گیرد. این موضوع را باید در قالب قاعده «هرکس» که سلاح خود را به سمت رژیم صهیونیستی نشانه رود، تحت حمایت ماست، مطمئن‌نظر قرار داد.

گفتمان انقلاب اسلامی و غیریت‌سازی دشمنان برای آن: انقلاب اسلامی ایران به شکل‌گیری و عمومیت یافتن گفتمانی در ایران منجر شد که دارای مختصات خاص خودش می‌باشد. گفتمان انقلاب اسلامی که به نوعی تداوم حرکت انبیا و متصل به تعالیم آسمانی است، از ریشه و اساس با گفتمان‌های رقیب خود، مانند سوسیالیسم، کاپیتالیسم و صهیونیسم، تفاوت دارد. دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی در شعارهایی نهفته است که مردم در فراندوم سال ۱۳۵۷ مطرح کردند. مردم در آن زمان خواستار بازگشت به اسلام و حاکمیت مردم بودند؛ به عبارت دیگر، مسئله استقلال، آزادی و جمهوریت را مطرح می‌کردند که بزرگان انقلاب هم تبلور این خواسته را براساس این آیه شریفه ذکر می‌کردند که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۸).

شاخصه اصلی گفتمان انقلاب اسلامی برآمده از رهنمودهای امام خمینی (ره) را باید در پذیرش حکومت اسلامی ولایی دانست که همه جهت‌گیری‌های فکری و ذهنی و کنش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی معطوف به یک هدف والا و مقدس (و نه مادی‌گرایانه و قدرت‌محور) یعنی حکومت اسلامی است. یعنی نوعی اسلام سیاسی که در جهان اسلام از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به تبع آن عرصه جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. لذا اهمیت‌یابی اسلام سیاسی که بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی گفتمان انقلاب اسلامی معرفی نموده‌اند از آنجا نشئت می‌گیرد که جهان اسلام، اسلام سیاسی را به‌عنوان پدیده‌ای بومی می‌نگرد و آن را بازگشت به هویت گذشته اسلامی خویش تلقی می‌کند. با این تفاوت که حضرت امام با رد اسلام متحجرانه و ارتجاعی، برای پویایی این گفتمان و از باب بازبودن باب اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن و مبانی اجتهاد شیعی با رد ادعای گذر از فقه سنتی و تأسیس فقه پویا، لزوم تمسک به شیوه اجتهاد سنتی را ضمن توجه به مقتضیات زمان و مکان مطرح کردند. ایشان در این مقوله برآنند که در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف عرضه شود (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۴۱). همین امر سبب شده است که آرای سیاسی حضرت امام خمینی حتی در عرصه‌های بین‌المللی نیز تأثیرات عمیقی دربر داشته باشد و این متأثر از شعار محوری نهضت اسلامی ایران یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. به‌گونه‌ای که این ابعاد سه‌گانه، چه در سطوح فردی یا جمعی، در لایه‌های فروملی و فراملی مطرح شد و



این گفتمان همانند جریان آزاد سیالات براساس این قاعده که اندیشه، مرز نمی‌شناسد، وارد عرصه روابط بین‌الملل و معادلات قدرت جهانی شد. از همین رو، دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام است.

۲. سطوح تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در محور مقاومت: مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، عبارت است از؛ گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستمدیدگان و مظلومین و نفی استکبار. در این زمینه مسئله حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین جهان، بسیار اساسی و مورد توجه رهبر انقلاب اسلامی بوده است، به طوری که ایشان چند ماه بعد از به‌ثمررسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزب جهانی به نام «حزب مستضعفین» را مطرح کردند. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز در خصوص حمایت از مستضعفین آمده است: «جمهوری اسلامی ایران ... درعین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵: اصل ۱۵۴). در واقع انقلاب اسلامی ایران حمایت از تمام مستضعفین و مسلمانان و رهایی آنان از دست استکبار را در سرلوحه کار خود قرار داده و درصدد است آن چیزی که در ایران یعنی رهایی از سیطره قدرت‌های استکباری واقع شد را به دیگر کشورها انتقال و صادر نماید. هدف انقلاب اسلامی ایران، گسترش گفتمان خود در سایر ملت‌های مسلمان و کشورهای منطقه است که علاوه بر امنیت پایدار ملی، به ثبات و امنیت منطقه‌ای نیز کمک می‌کند.

نظام سیاسی ایران با ویژگی منحصر به فردی از ظرفیت تأثیرگذاری بر محیط پیرامون برخوردار بوده که در اینجا به سه محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره می‌شود.

- محیط داخلی: از جمله تأثیرات در سطح محیط داخلی، عبارت است از برقراری وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی محور که نواندیشی دینی را تشویق نموده، جنبش

نرم‌افزاری با ویژگی‌های جرأت علمی، نفی تقلیدپذیری، رعایت ارزش‌های دینی

- محیط منطقه‌ای: این تأثیرات در سطح منطقه‌ای یعنی منطقه شیعه‌نشین و اسلامی عبارت است از: بازسازی تمدن اسلامی و ارتقای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان؛ ارتقای بیداری اسلامی و تأکید بر وحدت جهان اسلام. این امر موجب ایستادگی آنان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی شد. احیای هویت جهان اسلام با شاخص‌هایی همچون حمایت از مستضعفان، حق‌گرایی، نفی گرایش‌های غرب؛ محوریت ایران در ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم با اعلام روز جهانی قدس از سوی امام خمینی (ره).

- محیط بین‌المللی: این تأثیرات در سطح بین‌المللی عبارت است از: به‌چالش کشیدن

سلطه فرهنگی غرب از طریق تفکرات رهایی‌بخش و استکبارستیز، اعطای خودباوری به ملت‌ها و معرفی اسلام به‌عنوان یک شیوه زندگی؛ گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل، از طریق حمایت از حرکت‌های استقلال‌طلبانه و تشویق ملت‌ها به معنویت؛ پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی با شاخص‌هایی همچون: تأکید بر معنویت، وحدت اسلام، فرهنگ استقلالی، بومی و غیره (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۳۶ - ۱۱۲). درخصوص محیط منطقه‌ای یعنی محیط جغرافیایی شیعیان، باید گفت از نظر جغرافیایی پس از ایران بیشترین شیعیان در کشورهای زندگی می‌کنند که عمدتاً در اطراف ایران هستند و بیشتر آنها با ایران پیوستگی جغرافیایی دارند. عراق، بحرین، آذربایجان، عربستان، ترکیه، پاکستان، افغانستان، امارات، کویت، قطر و عمان از جمله این کشورها به‌شمار می‌آیند. علاوه بر اینها کشورهای هستند که جمعیت قابل‌ملاحظه‌ای از شیعیان در آنها زندگی می‌کنند اما در پیوستگی بلافصل ایران قرار ندارند. این گروه از کشورها نیز از این نظر که همگی در قاره آسیا واقعند، با هم وجه اشتراک دارند. لبنان، یمن، سوریه، هند، تاجیکستان و ازبکستان از جمله این کشورها هستند. به این مناطق شیعه‌نشین باید شیعیان پراکنده در سایر نقاط جهان را نیز اضافه نمود؛ شیعیانی که در خارج از قاره آسیا و عمدتاً در آفریقا، اروپا و امریکا زندگی می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۸).

انقلاب اسلامی ایران و گفتمان اسلام انقلابی

گفتمان انقلاب اسلامی ایران برپایه یک‌سری اصول و مبانی بنا شده است که این اصول و مبانی، راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی قرار می‌گیرند. در این مقاله، منظور نگارنده از مردم‌سالاری و مفهوم نقش و جایگاه مردم در غرب آسیا، با پرهیز از افتادن در مباحث اندیشه سیاسی معاصر و مبانی نظری، مطالعه می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش، حمایت و دفاع از مسلمانان، عدم دخالت در امور داخلی کشورها و احترام متقابل و در بعد داخلی احترام به نقش مردم.

حضرت امام(ره) تحقق مردم‌سالاری در ایران را منوط به زوال نظام شاهنشاهی دانسته‌اند. «اصول دموکراسی، در تضاد با رژیم شاه قرار دارد» و یا «دست از مبارزه بر نمی‌داریم تا حکومت دموکراسی به‌معنای واقعی آن جایگزین دیکتاتورها شود» و یا «با قیام ملت، شاه خواهد رفت و حکومت دموکراسی برقرار خواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۵۰ - ۲۶۰). از دیگر مشخصه‌های مردم‌سالاری مطلوب امام، تأمین آزادی انسان‌ها و حفاظت از آن در مقابل موانع تحقق آزادی است. ایشان با اشاره به این مطلب که «هیچ کس مثل اسلام، آزادی طلب نیست» مشخصاً به دو نوع از آزادی موجود در دموکراسی



مطلوب خود اشاره کرده‌اند. نخستین آزادی مدنظر ایشان را می‌توان، آزادی در مشارکت سیاسی دانست. امام، آزادی مردم در انتخابات را از جمله مبانی دموکراسی و مردم‌سالاری دانسته‌اند و به‌عنوان نمونه از آزادی مردم در گزینش نمایندگان مجلس یاد کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۲۵۸). جنبه مردمی در انقلاب اسلامی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش برپایه «و أمرهم شورا بینهم» ضروری است. در این نوع حکومت الهی که آن را حکومت عدل اسلامی می‌نامیم، تأکید بر اصل برادری، اخوت، آزادی و عدالت از هر مکتب دیگری بیشتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۵۰).

در راستای اجرایی‌کردن رویکرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران به نقش و جایگاه مردم در غرب آسیا می‌توان به تلاش‌ها در زمینه برقراری اتحاد اسلامی، استکبارستیزی، مقابله با توسعه‌طلبی آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان منطقه بویژه مردم لبنان، تلاش در جهت بازسازی عراق و برگرداندن ثبات به منطقه و همین‌طور تلاش در جهت برطرف‌کردن دغدغه‌های امنیتی بوده است. در این باره می‌توان به جهت‌گیری‌های ایران نسبت به خیزش‌های مردمی منطقه، استکبارستیزی و مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان لبنان و فلسطین و همچنین گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در عراق اشاره کرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

باین‌وصف، رویکرد انقلاب اسلامی و درحقیقت دیپلماسی آن در قبال جایگاه مردم در غرب آسیا اهمیت دارد. رویکرد دیپلماتیک همیشگی جمهوری اسلامی به نقش مردم در تعیین سرنوشت خود در مسئله فلسطین و ضدیت با رژیم صهیونیستی، رشد شیعه در عراق با احترام به جایگاه و نقش آنها؛ پیروزی حزب‌الله؛ مسئله سوریه (طرح راه‌حل سیاسی به جای راه‌حل نظامی که معنای آن دخالت‌دادن مردم برای تعیین آینده سیاسی سوریه است) و مسئله قیام‌های مردمی در سال‌های اخیر، مورد تأکید قرار گرفته است.

۱. گفتمان اسلام انقلابی و جنبش‌های مردمی فلسطین: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی(ره) همواره بر ضرورت دفاع از مردم مظلوم فلسطین تأکید داشته و آن را یک تکلیف دینی دانسته‌اند. درواقع حمایت‌های ایران از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را می‌بایست در راستای عملیاتی‌کردن اصول انقلاب اسلامی دانست. در این راستا، عربستان و ایالات متحده تلاش دارند با دخالت در مسئله حل‌وفصل بحران فلسطین، جمهوری اسلامی را به‌چالش بکشند و از قدرت نفوذ آن بکاهند (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۲۸). هدف ایران استقرار یک جامعه اسلامی با محوریت امت اسلامی است. حمایت ایران از حماس و گروه‌های فلسطینی سنی‌مذهب موجب کم‌رنگ‌شدن نقش مذهب در رابطه با این گروه‌ها و جمهوری اسلامی ایران شده است. در



مقابل، ایالات متحده و عربستان تلاش دارند با حمایت از گروه‌های سنی در مقابل ایران، موازنه‌سازی کنند (جمیری، ۱۳۸۹: ۱۴۵). این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره در منطقه غرب آسیا به جایگاه مردم در نقش تعیین سرنوشت خود چه از طریق انتخابات و غیره، احترام گذاشته است.

موضع‌گیری رهبری نظام در خصوص راه‌حل مسئله فلسطین؛ همه‌پرسی از ملت فلسطین بوده است که ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشور خود را انتخاب کند. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را به‌درستی درک می‌کند و می‌تواند از حمایت ملت‌ها و دولت‌های مستقل برخوردار شود. در این شرایط دولت‌ها و ملت‌ها و سازمان‌های مقاومت شکل می‌گیرد و معنی می‌یابد. از منظر رهبری انقلاب، مهم‌ترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است و این وظیفه بزرگ دولت‌های اسلامی است که زمینه امنیت و ثبات در جهان اسلام را فراهم می‌کند. این ایده‌ای است که براساس آن، همه مردم فلسطین با هم برابر خواهند بود و همه از حقوق بشر و حقوق شهروندی خود در یک جامعه دموکراتیک استفاده خواهند کرد.

۲. قدرت‌گیری شیعیان عراق به‌واسطه نقش مردم در حق تعیین سرنوشت: با حمله نظامی امریکا در مارس ۲۰۰۳ رژیم بعثی سرنگون شد و به اشغال نظامی امریکا درآمد. با اشغال عراق و رشد محور شیعه در این کشور، ایران نیز نفوذ قابل توجهی در عراق پیدا کرد. نگرانی واشنگتن و متحد وی عربستان سعودی از روی کارآمدن شیعیان آن‌هم از طریق مردم‌سالاری از چند جنبه قابل تأمل است. الگوی مردم‌سالاری عربی در عراق که به‌عنوان کشور عربی که الگوی انتخاب غربی در آن نهادینه شده است و از آن طریق به نقد قدرت‌گیری شیعیان و روی کارآمدن افراد و گروه‌های غیرهمسو با امریکا منجر شده است و از منظر دیگر روی کارآمدن اکثریت شیعی در عراق که خود می‌تواند مسئله امنیتی‌ای را برای منطقه شیعی‌نشین شرقی عربستان سعودی به‌وجود آورد و منافع خود و واشنگتن را به‌خطر اندازد (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). ورود نظامیان شیعی به ارتش عراق «نیروی صدر و سپاه بدر» و همچنین با روی کارآمدن حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ که از مدافعان ایران هستند، نگرانی کشورهای عربی و غربی و به‌خصوص واشنگتن را با چرخش یا بازگشت به ثبات‌سازی از طریق ساز و کارهای دموکراسی برانگیخته است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲)؛ چراکه این امر به‌معنای سرآغاز نفوذ ایران در منطقه و قدرت‌گیری گروه‌ها و تشکیل رژیم‌های غیرهمسو یا ضدغربی و امریکایی در منطقه غرب آسیا خواهد شد.



۳. محور مقاومت و موضوع سوریه: در مسئله سوریه، واشنگتن راهکار سیاسی و نظامی را برای حل بحران سوریه مطرح می‌کند؛ در حالی که نقش بشار اسد در مرحله انتقال قدرت را مردم سوریه تعیین خواهند کرد. جمهوری اسلامی ایران با عنایت به اهمیت نقش و جایگاه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود به جای طرح راه حل نظامی، راه حل سیاسی که معنای آن دخالت دادن مردم برای تعیین آینده نظام سیاسی سوریه است، را همواره تأکید می‌کند. تقابل موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در قضیه سوریه به نوعی نشان‌دهنده پایبندی ایران به راه حل سوری و نقش ملت سوریه و عدم پایبندی آمریکا به آن است. سوریه در محور مقاومت برای امنیت جمهوری اسلامی ایران، نقش محوری و حیاتی دارد. بیرون‌راندن داعش از سوریه و حفظ حاکمیت سوریه از مهم‌ترین دستاوردهای محور مقاومت در منطقه بوده و بزرگ‌ترین دستاورد امنیتی برای جمهوری اسلامی را داشت که در پرتو گفتمان انقلاب اسلامی ایران محقق شد.

۴. مسئله قیام‌های مردمی و گفتمان اسلام انقلابی: در مسئله قیام‌های مردمی کشورهای عربی منطقه، جمهوری اسلامی ایران بر موضوع مردم‌سالاری تأکید کرده است. براین اساس، راهبرد آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما پس از شکست سیاست مهار جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در خاورمیانه عربی بر هدایت و کنترل قیام‌های مردمی با هدف روی کار آوردن رهبران همسو یا دست‌کم جلوگیری از روی کار آمدن رهبران انقلابی و غرب‌ستیز قرار گرفته است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). در حالی که، شواهد عینی تحولات اخیر منطقه غرب آسیا بیانگر این است که در طرح انقلاب اسلامی برای خاورمیانه بزرگ، پایبندی عملی به حق تعیین سرنوشت مردم وجود دارد، اما در طرح خاورمیانه بزرگ آمریکایی چنین پایبندی‌ای وجود ندارد، بلکه تمامی اهداف آمریکا در راستای منافع ملی خود بوده است. این شواهد؛ نهایتاً تعارض عمیق میان آرمان و واقعیت را در سیاست خارجی آمریکا به‌نمایش می‌گذارد. به‌عبارت‌دیگر، ناتوانی واشنگتن در حل این تعارض تاریخی میان آرمان‌های دموکراتیک و محافظه‌کاری مانعی در راه دموکراتیزاسیون واقعی و عملی دولت‌های خاورمیانه عربی به‌شمار می‌رود و نهایتاً موجب طرح مطالبات حقوقی و سیاسی شهروندان در جوامع غرب آسیا در قالب حرکت مردمی و بیداری اسلامی شده است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). همه این شواهد گویای عینی این مسئله است که تحولات منطقه، غرب و آمریکا را با چالش جدی مواجه کرده و نیز عدم پایبندی آنها به اندیشه و رفتارشان را آشکار ساخته است.

با گسترش بیداری اسلامی در منطقه، اشتباه‌بودن انگاره‌هایی که غرب و آمریکا در طول سالیان گذشته سیاست‌های خود را بر مبنای آنها تنظیم کرده بودند، محرز شد. این

انگاره‌ها عبارتند از: آمریکا می‌تواند به رژیم‌های عربی در خصوص همکاری امنیتی و ثبات در بازارهای نفت و گاز اعتماد کند، بدون اینکه خواهان اصلاحات سیاسی و اقتصادی در این کشورها باشد. آمریکا کنشگر اصلی عرصه تحولات غرب آسیا است و می‌تواند به راحتی با رقبا و دشمنان خود مقابله کند. طی دو سال گذشته رژیم‌های تونس، مصر، لیبی و یمن سقوط کرده‌اند و ناآرامی‌ها در بحرین ادامه دارد. آمریکا نگران گسترش این ناآرامی‌ها به عربستان سعودی، اردن، مراکش، امارات متحده عربی و کویت است که با اعتراضات مردمی مواجه بوده‌اند. آمریکا در راهبرد نوین خود تلاش می‌کند با تقویت گروه‌های افراطی، مانع به‌قدرت‌رسیدن اسلام‌گرایان در کشورهای دارای خیزش مردمی شود.

باتوجه به خیزش‌های مردمی منطقه و مبارزه با ساختار سیاسی مستبد و فاسد (استبداد و استکبارستیزی) که هیچ امیدی به اصلاح و تغییر آن نبوده است، استعمارستیزی و عدم وابستگی به کشورهای خارجی به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌چشم می‌خورد. مردم معترض این کشورها به‌دنبال استقلال سیاسی کشور خود هستند و می‌خواهند حق تعیین سرنوشت داشته باشند. از مهم‌ترین دلایلی که موجب بروز چنین تظاهرات گسترده در کشورهای اسلامی شده، تعالی‌خواهی و هویت‌طلبی است. تحقق چنین مسئله‌ای در گرو احیای اسلام اصیل است. خیزش مردم با چنین درخواستی موجب کسب و حفظ کرامت و منزلت انسانی می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۰۵). ناتوانی آمریکا و متحدانش در کاهش نقش ایران در منطقه و شکست در تحقق تغییرات دلخواه غرب، به‌ویژه در سوریه و در مرتبه کم‌تری در عراق، نشان از کاهش نفوذ و اثرگذاری جدی آمریکا بر موازنه قدرت در منطقه و ناکامی در شکل‌دهی به نظم مدنظر غرب در غرب آسیا دارد (Pollack, 2012: 1).

به این ترتیب، با افزایش نقش و جایگاه مردمی منطقه و رشد و گسترش مردم‌سالاری اسلامی، پیروزی‌هایی در آینده نصیب انقلابیون خواهد شد و علاوه بر آن حضور در عرصه مقاومت و تقابل با استبداد و استکبار از مصادیق تأثیر انقلاب و توسعه‌گفتمان انقلاب اسلامی ایران در منطقه است.

۵. موفقیت انقلابیون یمن و انصارالله در مقاومت: رویکرد مبارزاتی انقلاب یمن و انصارالله شبه‌مسلحانه بوده و دارای بعد ایدئولوژیک است، البته زمانی که مبارزات انصارالله سازمان یافته نبود، تلاش این گروه‌ها برای ساماندهی حملات و هدف‌مندشدن مبارزات مسلحانه بود (دغشی، ۱۳۹۴: ۱). در زمینه فرهنگ و باورهای انقلابیون یمن این موضوع مهم است که قیام خود را براساس ارزش‌های اسلامی و باورهای فرهنگی و هویتی شروع کردند و با رویکرد گلدستون تطابق زیادی دارد. زیدی‌ها به این باور رسیدند که امام و



رهبری برای مدیریت انقلاب باید از نسل حسین(ع)، بوده و قیام به شمشیر کند. به تعبیری، رهبری انقلاب یمن، سه شرط رهبری را که براساس آموزه فرهنگ و مذهب است در امام خمینی(ره) نیز دیدند (کورانی، ۱۳۸۸: ۴۱). تنها زمانی که عربستان در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ با تشکیل ائتلافی به یمن حمله کرد؛ به این دلیل که عربستان بیم این را دارد که با سقوط حکومت علی عبدالله صالح، حکومت آل سعود نیز سقوط کند (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۶۰)، آنچه درباب حاکمیت اقتدارگرای عربی منطقه مشهور است، دیگر «آل‌ها» در منطقه احساس امنیت نمی‌کنند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). درباره مبارزات انقلابیون یمن در جنگ‌های متعدد ذکرشده و امروزه در درگیری با نیروهای سعودی، مشی مسلحانه انقلاب در یمن نیست، آنچه در انقلاب یمن اهمیت داشته و رهبری انقلاب تأکید دارد، حفظ ماهیت مدنی در اعتراض و پرهیز از برخورد مسلحانه بود (مددی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

تحولات بزرگی در جهان اسلام با محوریت انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است و اینکه با محوریت انقلاب اسلامی در جهان اهل سنت چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ در جهان اسلام چه اتحاد عظیمی میان شیعه و سنی در مقابل غرب به‌وجود خواهد آمد و در نتیجه چه دستاوردهای امنیتی و سیاسی را به همراه دارد؟

الهام‌بخشی گفتمان اسلام انقلابی در محور مقاومت و امنیت پایدار

انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری در دو بخش مقاومت در بعد سلبی، به نفی سلطه، نفی استکبار و استبدادستیزی و در بعد ایجابی به عدالت‌خواهی، اسلام‌خواهی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و معنویت‌گرایی پرداخته (اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۹۸) و این موضوعات را از عرصه نظری به وادی عمل وارد کرده است. در جهان اسلام و به‌ویژه در محور مقاومت با تقویت و گسترش دامنه آن، پیوند عمیقی بین امنیت ملی و امنیت امت اسلامی ایجاد کرده است.

تأثیر انقلاب اسلامی در حوزه مقاومت و محور مقاومت سبب شده است گفتمان انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه و جهان اسلام رشد و گسترش پیدا کند. از دیدگاه امام خمینی(ره) مرجع امنیت وجه ترکیبی دارد و جامعه، نظام و دولت را شامل می‌شود. این مراجع رابطه تعاملی با هم دارند، مطابق با مبانی معرفت‌شناسی امام خمینی(ره) و دال‌های گفتمانی انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی، استقلال، آزادی، نفی سبیل، مصلحت و موضوعات مهم در گفتمان انقلاب اسلامی و منظومه فکری امام به مفهوم امنیت می‌پردازد (روحانی، ۱۳۹۱: ۳۷).

با آغاز تحولات بیداری اسلامی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی، گذار به مردم‌سالاری «الگوی انقلاب اسلامی» در منطقه تقویت شد و بسیاری از رهبران عرب و متحدان آمریکا

جایگاه سیاسی خود را از دست دادند یا تضعیف شدند و برخی رژیم‌های عربی از ترس سرنگونی دست به اصلاحات زدند. حضور دولت‌های مردمی در قدرت، زمینه را برای تقویت جایگاه گفتمان اسلام‌گرایی در برابر گفتمان سکولار و همچنین پیگیری سیاست‌هایی مستقل از منافع آمریکا در منطقه فراهم کرد. در مجموع می‌توان چنین ارزیابی کرد که نظم پیشین در غرب آسیا دچار تغییراتی جدی به زیان منافع آمریکا شد (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). با برهم خوردن نظم پیشین در منطقه، میزان و نحوه اقدامات قدرت‌های منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز تغییر کرد.

جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان تنها قدرت منطقه‌ای که از تغییر نظم پیشین در غرب آسیا سود می‌برد، در تلاش است با حمایت معنوی خود از جنبش‌های مردم‌سالارانه اسلامی در غرب آسیا، ضمن نفی ساختارهای فردگرایانه مرتجع عرب، از میزان نفوذ غرب به‌ویژه آمریکا، به‌عنوان متحد و حامی کلیدی این کشورها، بکاهد که ناخودآگاه سبب کاهش ضریب امنیتی کشورهای محور سازش و همچنین مانع انحراف خیزش‌های مردمی توسط آمریکا و کشورهای غربی خواهد شد (Friedman, 2001: 1).

جایگاه غیر/ دشمن در سیاست خارجی انقلاب اسلامی از منظر تحلیل گفتمان: بر اساس رویکرد گفتمانی به‌ویژه رویکرد ارنستو لاکلاو و شانتال موفه، اولین قدم برای ارائه هر تحلیل سیاسی در حوزه داخلی و خارجی، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که باهم رابطه‌ای نافیانه برقرار می‌کنند. از این منظر، هر گفتمانی همواره در سایه وجود یک غیر/ دگر یا دشمن بیرونی، هویت و موجودیت خود را تعریف می‌کند. لاکلاو و موفه برای تبیین اهمیت این موضوع، از مفهوم «بیرون قوام‌بخش»^۱ استفاده می‌کنند که این وضعیت در گفتمان انقلاب اسلامی و تقابل آن با گفتمان امریکایی وجود داشت و سبب تقابل بین این دو شده و با شکل‌گیری محور مقاومت و نتایج حاصل از آن سبب تحدید امنیتی برای آمریکا در غرب آسیا شده و دستاوردهایی برای انقلاب اسلامی همراه داشته است.

آنچه در صدور گفتمان انقلاب اسلامی وجود دارد و انقلاب اسلامی در محور مقاومت اثر گذاشته است، دامنه و قلمرو امنیت را از سطح ملی و وطنی به امنیت امت اسلامی ارتقا داده است. در واقع، عرصه مقاومت از سطح نظریه به عمل وارد شده و انقلاب اسلامی از زمان پیروزی تا کنون مرزهای امنیتی خود را از مرزهای جغرافیایی ایران به مرزهای جهان اسلام رسانیده است. به‌همین سبب، مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران از مرزهای جغرافیایی آن فراتر رفته و حدود مرز دنیای اسلام مبنای تأمین امنیت ملی ایران شناخته می‌شود.



1. constitutive outside

براین اساس؛ با تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در محور مقاومت بین امنیت ملی و امنیت امت اسلامی پیوند و وحدت ایجاد شده است. این موضوع از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و دال مرکزی گفتمان انقلاب و اندیشه امام خمینی(ره) به‌شمار می‌رود. در گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ایران، تهدیدات امنیتی «امت اسلامی» و «جمهوری اسلامی» از یک دیگر قابل تفکیک نیستند. براین اساس، امام خمینی(ره) بر این باور بودند «اگر ایران شکست بخورد، مستضعفین شکست خورده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۱، ۱۳۸۵: ۱۰۸). مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران در محور مقاومت در امنیت تجلی کرده است. در نتیجه، مفهوم امنیت از دیدگاه امام و در گفتمان انقلاب اسلامی ملت محور بوده و حفظ اسلام و نظام در اولویت قرار دارد، چون امنیت را ایجاد می‌کند. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر محور مقاومت و پیامدهای آن با تمرکز بر ابعاد امنیتی و امنیت پایدار انقلاب اسلامی ایران:

- تقویت دولت‌های همسو «عراق، سوریه، حزب‌الله، یمن» در محور مقاومت و ایجاد امنیت داخلی و منطقه‌ای.

- ممانعت و سد نفوذ در برابر حملات نظامی به مرزهای ایران توسط گروه‌های تروریستی.

- کاهش هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران در استحکام ثبات و امنیت ملی؛ در این باره قابل توضیح هست که با تقویت محور مقاومت، سد نفوذ در برابر متجاوز صورت گرفته و از تحمل فشار بر یک کشور کاسته خواهد شد. در این باره بنگرید به بیانات رهبری: «هزینه تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت و ایستادگی است و فایده و دستاوردهای ایستادگی صدها برابر بیشتر از هزینه‌های تسلیم شدن است (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۷/۰۴/۹). مقصود به‌دست‌گیری ابتکار عمل بوده و اصرار و ابرام بر ارزش‌های انقلابی است.

- تقویت شیعیان منطقه و نفوذ سیاسی شیعیان محور مقاومت و تأثیرات ژئوپلیتیکی شیعیان در تقویت و توسعه اندیشه مقاومت.

- پیشگیری از تجزیه و چندپارچه‌سازی کشورهای منطقه به‌ویژه عراق و سوریه و حفظ تمامیت ارضی کشورهای محور مقاومت در جهت استقرار امنیت منطقه‌ای.

- حفظ و تقویت قدرت محور مقاومت و ائتلاف ضدغربی و امریکایی و ایجاد امنیت ملی و منطقه‌ای.

- تحدید رژیم صهیونیستی و تضعیف حوزه نفوذ و حضور امریکا در منطقه با توسعه و عمق‌بخشی گفتمان انقلاب اسلامی.

- ارتقای جایگاه سیاسی - اعتقادی گفتمان انقلاب اسلامی ایران.
 - تقویت انسجام داخلی مردم و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.
 - توسعه محور مقاومت و ایجاد وحدت بین مسلمین و در نتیجه ارتقای امنیت ملی به امنیت امت اسلامی.

- حمایت از آرمان‌های فلسطین و تضعیف جایگاه امنیتی رژیم صهیونیستی.
 - برچیده شدن طومار تروریسم و داعش از عراق و سوریه علاوه بر امنیت منطقه سبب کسب عزت بین‌المللی خواهد شد.
 - ایستادگی و مقاومت انصارالله یمن در تقابل استکبار و تجاوز علی‌رغم پرداخت هزینه محور مقاومت.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، تبیین و تحلیل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر محور مقاومت بوده که با تأکید بر موضوع امنیت و امنیت پایدار انقلاب اسلامی ایران تحلیل و تبیین شده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خود گفتمان اسلام انقلابی را از عرصه نظر به عرصه عمل وارد کرده، موفق شد تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای به‌ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بر جای بگذارد. همچنین الگوی گفتمانی انقلاب اسلامی تأثیر عمیقی بر مسلمانان جهان اسلام به‌ویژه بر محور مقاومت داشته که در قالب مقاومت بروز و ظهور کرده است.

در پاسخ به سؤال اساسی مقاله، یافته‌ها نشان می‌دهد، مقاومت مردمی منطقه، علاوه بر تهدید برای دولت‌های محافظه‌کار و غیردموکراتیک منطقه، تهدیدی برای غرب و آمریکا به‌شمار می‌رود. علاوه بر آن مقاومت مردم منطقه و الگوی گفتمانی انقلاب اسلامی، موجب تقویت جایگاه مردم‌سالاری دینی و گفتمان اسلام انقلابی (انقلاب اسلامی ایران) شده و همواره فرصتی در راستای افزایش امنیت انقلاب اسلامی ایران و تقویت و گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی خواهد بود. گزاره‌های عینی و نمونه‌هایی از تغییرات و فرصت‌های ایجادشده در منطقه، نشان از تأثیر الگوی انقلاب اسلامی دارد و خود بستری برای تقویت جایگاه گفتمان اسلام انقلابی و نقش مردم را در آینده فراهم خواهد نمود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی؛ بر مبنای توحیدمحوری و براساس جهان‌بینی الهی استوار است که سبب تکلیف‌محوری شده و نه نتیجه‌گرایی. آنچه در این گزاره آمد، صدور انقلاب اسلامی و دستیابی به آمان‌های انقلاب، موجب تأثیرگذاری و توسعه و تقویت مقاومت شده که با



شکل‌گیری محور مقاومت با هسته مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موفقیت‌هایی در عرصه نظر و عمل دست یافته است.

همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی منجر به شکل‌گیری گفتمان مقاومت و توسعه و تقویت آن در مقابل گفتمان کشورهای محافظه‌کار عرب با رهبری امریکا شده است. با تقویت محور مقاومت از سقوط نظام سوریه جلوگیری شد و با حفظ حاکمیت کشورهای محور مقاومت بازوی نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه حفظ و سبب تقویت امنیت جمهوری اسلامی شد. با دفع داعش در سوریه و عراق که نزدیک مرزهای ایران بود، تهدیدات امنیتی رفع شد. همچنین به تقویت شیعیان و تأثیرات ژئوپلیتیکی شیعیان در محور مقاومت منجر شد و به تضعیف نفوذ امریکا در منطقه انجامید. از جمله این موارد عبارتند از: سقوط برخی از رژیم‌های مستبد و وابسته به غرب و امریکا؛ تداوم مطالبات مردمی؛ افزایش حمایت مردمی و منطقه‌ای از فلسطین و تحدید جایگاه رژیم صهیونیستی؛ قدرت‌گیری اسلام‌گرایان یا حداقل قدرت‌گیری گروه‌های غیر همسو با غرب و امریکا؛ سقوط سران مرتجع همسو با غرب و مخالف انقلاب اسلامی؛ ادامه اعتراضات و به‌هم‌ریختن نظم موجود منطقه و تبعات منفی حاصل از آن برای غرب، امریکا و رژیم صهیونیستی؛ حضور توده‌های مردم، نخبگان، زنان، جوانان و همه قشرهای مردم در خیزش‌های منطقه؛ برچیده‌شدن طومار داعش در عراق و سوریه، موفقیت نسبی انصارالله در یمن و مواردی از این دست که گویای عینی این مسئله است و تحولات منطقه، غرب و امریکا را با چالش جدی مواجه کرده و منافع امریکا در منطقه را درهم ریخته و دستاوردهای امنیتی را برای آینده «امنیت امت اسلامی» در پرتو گفتمان انقلاب اسلامی فراهم کرده است.

محور مقاومت، منطقه راهبردی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در محور مقاومت، سبب تقویت امنیت ملی خواهد شد. لذا تأثیر در این منطقه راهبردی، باعث ثبات و امنیت در منطقه شده و تهدیدات علیه انقلاب اسلامی و محور مقاومت خنثی خواهد شد که این دستاوردها و تحولات، از مهم‌ترین تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه نظر و عمل در ابعاد امنیتی - نظامی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). شورای همکاری خلیج فارس و برنامه هسته‌ای ایران، **روزنامه شرق**، شماره ۶۲۲.
- احمدی، سیدعباس (۱۳۸۹). نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ مطالعه موردی: تشیع و ایران، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال ششم، شماره ۱: ۷۴ - ۳۷.
- اسدی حیدر و رجبی، هادی (۱۳۹۶). نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۶.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی. **فصلنامه روابط خارجی**، سال اول، شماره ۱.
- برژینسکی، زبگنو (۱۳۶۹). **در جستجوی امنیت ملی**، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: سفیر.
- بهروزک، غلامرضا (۱۳۸۶). **کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی**، مجموعه مقالات روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- پارسه، رضا و مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۳). اثرگذاری در محور ایران، سوریه و حزب‌الله بر منافع آمریکا در خاورمیانه، **فصلنامه سیاست دفاعی**، شماره ۸۶: ۱۰۷ - ۱۳۸.
- پوستین‌چی، زهره (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و برسازی هنجار سیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال پنجم، شماره ۱۶: ۴۹ - ۷۶.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). انتظام در پراکندگی، بحثی در امنیت ملی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۲.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، **مجله انقلاب اسلامی**، شماره ۳۶.
- جمیری، محمد (۱۳۸۹). بررسی و تبیین نقش فرمانطقه‌ای ایالات‌متحده آمریکا در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از ۱۱ سپتامبر، **فصلنامه ره‌آورد سیاسی**، شماره ۲۹.
- جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۸). تحلیل گفتمانی نظریه انقلاب اسلامی، **مجله زمانه**، شماره ۸۴ و ۸۵.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۴). مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی، **۱۳ نامه پژوهش**، شماره ۱۲.
- حقیقت سید صادق (۱۳۸۷). **روش‌شناسی علوم سیاسی**، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خامنه‌ای، سید علی. بیانات در دانشگاه افسری امام حسین(ع)، ۱۳۹۷/۰۴/۹.
- خامنه‌ای، سید علی. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۳/۶/۱۶.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۵۷). **ولایت فقیه**، تهران: امیر کبیر.



- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). **صدر انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). **صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (۲۲ جلد)**، تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲). **کلمات قصار؛ پندها و حکمت‌ها**، تهران: چاپ نخست، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶). **اسلام ناب محمدی در کلام و پیام امام خمینی**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴). **ولایت فقیه و جهاد اکبر**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). **ولایت فقیه**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). **صحیفه نور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹). **نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان (ع)**، فصلنامه **حکومت اسلامی**، سال پنجم، شماره ۱۸.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). **بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل**، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی سیدجلال و فرازی، مهدی (۱۳۹۱). **بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه **مطالعات انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره ۲۸.
- دین‌پرست، فائزه (۱۳۸۹). **تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱). **گفتمان امام خمینی (ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی**، فصلنامه **راهبرد**، سال بیست و یکم، شماره ۶۵: ۷-۶۶.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۱). **رویکرد تئوریک به سیاست امریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در خاورمیانه**، پژوهشنامه **انقلاب اسلامی**، سال اول، شماره ۲.
- سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸). **دوره زبان‌شناسی عمومی**، ترجمه: کورش صفوی، تهران: هرمس.
- شیرازی، ابوالحسن و پارسه، رضا (۱۳۹۳). **ائتلاف سه‌گانه ایران، سوریه و حزب‌الله و تأثیر آن بر منافع امریکا در خاورمیانه**، فصلنامه **سیاست جهانی**، دوره سوم، شماره ۱: ۷۳-۱۱۴.
- شیرازی، ابوالحسن و معین‌الدینی، حبیب‌الله (۱۳۸۷). **تقابل خاورمیانه اسلامی با طرح خاورمیانه بزرگ**، فصلنامه **علمی پژوهشی علوم سیاسی**، شماره ۳.

- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹). دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها، **فصلنامه راهبرد**، سال نوزدهم، شماره ۵۶: ۲۷۰ - ۲۵۳.
- صالحی، حمید (۱۳۹۰). مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره ۱.
- صفاتاج، مجید (۱۳۸۷). **انقلاب اسلامی و استعمار فرانو در منطقه**، چ ۱، انتشارات سفیر اردهال.
- علی‌دادی، شهربانو (۱۳۹۰) انقلاب ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل، **فصلنامه سیاست**، شماره ۲۰: ۱۷۵ - ۱۹۲.
- امید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷) **فقه سیاسی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: چاپخانه سپهر.
- فلاحی، علی (۱۳۸۰). پیامدهای ۱۱ سپتامبر بر نظریه و دیدگاه‌های موجود در روابط بین‌الملل، معاون سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۸). **اندیشه سیاسی امام خمینی**، قم: معاونت پژوهش دانشگاه معارف اسلامی.
- فولادی، محمد (۱۳۸۷). **استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی**، سال هفدهم، شماره ۱۲۶.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۱). گزارش اجلاس جهانی استادان مسلمان دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** (۱۳۷۵). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۴). **رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کورانی، (۱۳۸۳). **عصر ظهور**، قم: انتشارات حوزه.
- لک‌زایی، نجف و دیگران، امنیت ملی و دولت اسلامی از منظر فقه شیعه، **فصلنامه سیاست متعالیه**، سال چهارم، شماره ۱۴: ۴۱ - ۶۱.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶). **تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مددی، جواد (۱۳۹۳الف). نقش انصارالله در رهبری تحولات یمن، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، شماره ۵۸: ۳۳ - ۵۶.
- مددی، جواد (۱۳۹۳ب). گزارشی از پیروزی یمن در سایه فرازونشیب بسیار، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، شماره ۵۷: ۱۵۵ - ۱۶۷.
- مسعودنیا، حسین و خانی، اعظم (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی)» در: بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، ویراستار علمی دکتر اصغر افتخاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.



- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). طرح حکومت اسلامی، مطبوعاتی هدف.
- منوچهری، عباس (۱۳۷۷). «گفتمان جمهوری و جمهوری گفتمانی»، جمهوریت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- میرقادری، کیانی (۱۳۹۱). **بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن**، دوره اول، شماره اول.
- میلز، سارا (۱۳۸۹). **میشل فوکو**، ترجمه داریوش نوری، تهران: مرکز.
- نادری‌نسب، پرویز (۱۳۸۹). چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه، **فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۴۰، شماره ۱.
- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵). **فرهنگ دفاعی - امنیتی**، تهران: سنا.
- نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۰). تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا و پیامدهای متفاوت، **روابط خارجی**، سال سوم، شماره ۴.
- Burnell, Peter & Richard Youngs (2010), *New Challenges to Democratization, USA and Canada*: Routledge
- Foucault, M. (1962), *The Archaeology of Knowledge*, Translated by A. Sheridan clondon: Routledge.
- Friedman George (2011) Syria, Iran and the balance of power in the Middle East, 22, dec.2011, accessed at:
- Friedman, George (2011), "Syria, Iran and the Balance of Power in the Middle East", 22, Dec.2011, www.trafor.com.
- Fukuyama Francis (1992), *The End of History and Last Man*, London: Hamish Hamilton
- Geoffrey Garret, "Globalization's Missing Middle", *Foreign Affairs*, Nov. 2004.
- Isbester, Katherine (2011), *The Paradox of Democracy in Latin America: Ten Country Studies of Division and Resilience*, Canada: University of Toronto Press Incorporated.
- Kelly Grijalva, *The Saudi-United States Relationship Post 9/11: New Public Viewpoint, Same Foreign Policies*, 2005, in: http://srb.stanford.edu/nur/GP200A%20Papers/Grijalva_paper.pdf
- Kramer, Martin (2009), *Arab Awakening and Islamic Revival: The Politics of Ideas in the Middle East*, New Jersey: State University of New Jersey .
- Laclau and Mouffe (1981) *Hegemony and Socialist Strategy : Towards a Radical Democratic Politics* (London : Verso).
- Luciani, Giacomo (1990), *The Arab State*, Berkley and Los Angeles: University of California Press .
- Pollack, Kenneth M. (2012), "Shifting Sand in Middle East", *Brooking Institute*, 14 Feb accessed. www.brookings.edu

